

تبیین اعتماد سیاسی در کشورهای نفتی : آیا ثروت نفتی اعتمادساز است؟

رضا نقی زاده**

دکتر حسن دانائی فرد*

چکیده

اعتماد سیاسی سرمایه اصلی دموکراسی‌ها در سراسر جهان است، از این رو ارتقاء این اعتماد ثمرات ارزنده‌ای برای نظام‌های سیاسی در عرصه‌های مختلف در پی دارد. عوامل مختلفی بر افزایش چنین اعتمادی تأثیرگذارند. در این میان کشورهای برخوردار از منابع نفتی به جهت بهره‌گیری از این موهبت الهی در شرایطی ویژه قرار می‌گیرند و این ثروت‌های نفتی در میزان افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی این کشورها بسیار مؤثر است. بدین جهت هدف این بررسی نقش ثروت‌های نفتی در تبیین اعتماد سیاسی است. بر این اساس با تدوین نوعی شاخص ترکیبی تلاش شده است رتبه کشورها از نظر میزان اعتماد سیاسی با روش تحلیل عاملی مورد محاسبه قرار گیرد. با توجه به نتایج پژوهش مذکور نقش ثروت‌های نفتی در تبیین اعتماد سیاسی کشورهای برخوردار از آن قابل توجه می‌باشد. همچنین در این پژوهش، سعی شده است با بررسی برخی از مهمترین دلایل کاهش اعتماد سیاسی در کشورهای پرجمعیت دارای منابع نفتی، پیشنهادهایی جهت ارتقاء سطح اعتماد سیاسی آنها نیز ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: اعتماد سیاسی، شاخص ترکیبی، ثروت نفتی

۱- مقدمه

اعتماد سیاسی یکی از عوامل مهم پیوند مناسب مردم و دولت است. تنزل این اعتماد در طول زمان، دوری ملت‌ها از دولت‌ها را در پی دارد و بستر ملی برای افزایش تنش‌های غیرضروری را مهیا می‌سازد. در کشورهایی که با اعتماد سیاسی پایین روبرو هستند، نخبگان از تعهد کمتری نسبت به حضور در عرصه‌های مختلف برخوردارند و عموماً فرار مغزها و سرمایه‌ها از این کشورها امری طبیعی به حساب می‌آید.

* نویسنده مسئول - دانشیار و عضو هیات علمی، دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی سیاست گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس

محور اصلی مورد تأکید این پژوهش بررسی وضعیت اعتماد سیاسی کشورهای دارای منبع طبیعی نفت است. یکی از سؤال‌های همیشگی مردم و نخبگان آن است که منبع خدادادی و با ارزشی چون نفت چه اثراتی بر ابعاد مختلف جامعه دارد؟ بر اساس این سوال در این پژوهش سعی شده است وضعیت کشورهای دارای منابع نفتی از بعد اعتماد سیاسی اندازه‌گیری شود. در این حوزه پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که مهم‌ترین آن مربوط به مقاله کاهش اعتماد سیاسی و نارضایتی از ثروت نفتی در نروژ است که توسط لیستاگ (۲۰۰۵) به نگارش در آمده است. وی در پژوهش خود اثرات وجود منابع نفتی را بر کاهش اعتماد سیاسی در کشور نروژ بررسی کرده است. همچنین در گزارش‌های بین‌المللی بانک جهانی (۲۰۱۰)، مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۰) و نهادهای بین‌المللی دیگری چون سازمان ملل، مقوله اعتماد سیاسی از اهمیتی ویژه در ارزیابی‌های توانمندی کشورها در عرصه‌های مختلف برخوردار است. اما از تفاوت‌های پژوهش مذکور با سایر پژوهش‌ها، می‌توان به تلاش پژوهشگران برای افزایش تعداد کشورهای مورد بررسی اشاره نمود. همچنین پژوهشگران میزان شاخص‌های مورد بررسی جهت سنجش اعتماد سیاسی را از ۳ شاخص به ۱۱ شاخص ارتقاء داده‌اند و شاخص‌ها بر اساس روش تحلیل عاملی وزن‌دهی شده‌اند.

در این مقاله پس از مرور مفهوم نفرین منابع طبیعی به بررسی اهمیت اعتماد سیاسی برای دولت‌ها و شاخص‌های مرتبط با آن خواهیم پرداخت. سپس در ادامه مقاله روش‌شناسی آماری و شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی را تشریح خواهیم نمود. در انتها نیز وضعیت کشورهای صاحب منابع نفتی را در قالب شاخص ترکیبی بدست آمده مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲- تأملی بر مفهوم نفرین منابع طبیعی (نفت)

بر اساس فرضیه نفرین منابع طبیعی، انبوه منابع طبیعی منجر به ایجاد ناکارآمدی اقتصادی، رانت جویی و ایجاد کشمکش‌هایی در توزیع ثروت می‌شود و در نهایت، می‌تواند منجر به بروز جنگ داخلی شود (لیستاگ، ۲۰۰۵).

اسمیت (۲۰۰۴) بر اساس رویدادهای فراروی دولت‌های دارای منابع نفتی سه نظریه دولت رانتی^۱، نظریه سرکوب^۲ و نظریه رانت جویی^۳ را مطرح می‌نماید.

1 -Rentier State

2 -Repression

3 -Rent-seeking

بر اساس نظریه دولت رانتیر، چون دولت نفتی نیازی به شناسایی و نمایندگی کردن گروه‌های اجتماعی (به منظور دریافت مالیات و اتخاذ سیاست‌ها و آموزش اجتماعی توجیه کننده مالیات ستانی) ندارند، ثروت نفتی منجر به نوعی رابطه ضعیف دولت-ملت می‌شود. در دوران رونق، چنین دولت‌هایی تمایل دارند که اقتصاد داخلی را با پول‌های نفتی لبریز کنند و این امر سبب ایجاد فشارهای تورمی و تعهدات بسیاری برای دولت می‌شود، در حالی که به زودی دوران‌های کاهش قیمت منابع طبیعی از راه می‌رسد و ادامه پشتیبانی مالی غیرممکن می‌شود و چون نهادهای دولتی چنین نظام‌هایی از استحکام سخت افزاری، نرم افزاری و مهارت افزاری برخوردار نیستند، دسترسی آنها به درآمدهای حاصل از دیگر منابع همچون مالیات غیرممکن می‌شود (اسمیت، ۲۰۰۴؛ لیستاگ، ۲۰۰۵).

نظریه سرکوب، مدعی است که ثروت‌های نفتی، قدرت حکومت‌های دیکتاتور را حفظ نموده و این حکومت‌ها، از این ثروت نفتی در جهت تقویت شدید قوای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی خود استفاده می‌نمایند و مخالفان را از صحنه حذف می‌کنند (اسمیت ۲۰۰۴) و در نهایت، نظریه رانت‌جویی ثروت نفتی را به عنوان تاراج سوداگران در نظر می‌گیرد، که شورش‌های طمع کارانه، در مقایسه با شورش‌های ناشی از کمیابی را به وجود خواهد آورد (سویسا، ۲۰۰۲، اسمیت ۲۰۰۴؛ لیستاگ، ۲۰۰۵).

به طور کلی بر سر این موضوع که ثروت‌های نفتی تأثیرات سیاسی عمیقی دارند، میان متخصصان نوعی اشتراک نظر وجود دارد (لیستاگ، ۲۰۰۵) البته طبیعی است که برخی از این اثرات مثبت و برخی منفی باشند.

بر اساس این نظریه‌ها از نکاتی که در خصوص چنین نظام‌هایی صادق است، کاهش اعتماد سیاسی در جامعه است. بر اساس پژوهش لیستاگ (۲۰۰۵)، کاهش اعتماد سیاسی یک تأثیر ملایم از نفرین منابع طبیعی است. البته جامعه آماری لیستاگ (۲۰۰۵) کشور نروژ بوده است و کشورهای دیگر را مورد بررسی قرار نداده است. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است چنین اثری را بر سایر کشورها دارای ثروت‌های نفتی به همراه شاخص‌های بیشتری مورد بررسی قرار دهیم.

۳- اعتماد سیاسی به دولت

اعتماد سیاسی سرمایه استراتژیک یک نظام سیاسی است. در یک دموکراسی، تجلی حضور مستقیم شهروندان در فرآیند سیاسی، در روز انتخابات به اوج خود می‌رسد. در مدت

زمان بین انتخابات نیز میزان حضور رای‌دهندگان به کیفیت نهادهای نمایندگی وابسته است. نمایندگی در دموکراسی‌های مدرن را می‌توان به نوعی پل ارتباطی از رای‌دهندگان به نمایندگان، از نمایندگان به اعضای کابینه و از کابینه به وزیران و خدمات شهری دانست (استروم، ۱۹۹۹).

اعتماد سیاسی در جامعه تجلی رضایت شهروندان از نماینده بودن دولت از جانب آنهاست. وقتی اعتماد شهروندان به دولت دموکراتیک سلب شود، آنگاه باید احتمال داد که مسیر اعتماد آنها به سوی نظام‌های دیگری منحرف شود (کولمن، ۱۹۹۰). در برخی موارد حتی ادعا شده است که در صورت بروز این امر، آنها اعتمادشان را به نظام‌های غیردموکراتیک انتقال خواهند داد و در این صورت صلاحیت دستگاه دموکرات تهدید خواهد شد (لینز، ۱۹۸۸؛ لیستاگ، ۲۰۰۵).

در باب اهمیت اعتماد سیاسی، سوای اثرات آن بر ثبات و پایداری سیاسی می‌توان به اثرات اقتصادی آن نیز اشاره کرد. نقش اقتصادی دولت‌ها در طول چند دهه گذشته بسیار پررنگ‌تر شده است. زمانی که دولت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بخش عظیمی از منابع اقتصادی جامعه را تخصیص می‌دهند، سوال‌های متمرکز بر کار آمدی اقتصادی، جنبه‌ای بسیار حساس‌تر بر خود می‌گیرد. جلب اعتماد راهی گران قیمت و تقریباً تنهاترین راه برای کسب اطاعت شهروندان و سازمان‌ها از قوانین دولتی است (لیستاگ، ۲۰۰۵). این متغیر به حدی دارای اهمیت است که مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۰) در شاخص‌های خود برای ارزیابی قدرت رقابت‌پذیری اقتصادهای دنیا، شاخص‌های اعتماد سیاسی را مورد تأکید ویژه قرار داده است.

به طور کلی میزان بالای اعتماد، تجلی امنیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشورها است و نشان دهنده آن است که دولت در این کشورها نوعی سیستم بوروکراتیک سالم را هدایت می‌کند (لیستاگ، ۲۰۰۵).

۳-۱- شاخص‌های اعتماد سیاسی

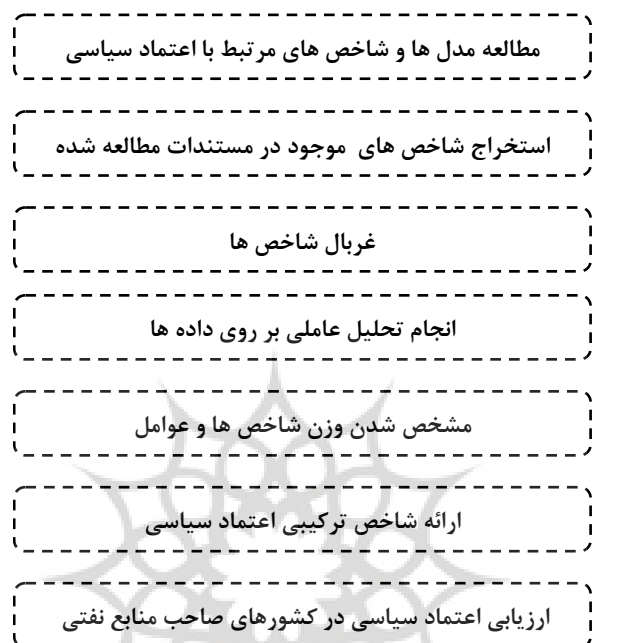
در حوزه اعتماد سیاسی به دولت شاخص‌های متفاوتی وجود دارد. از مهمترین این شاخص‌ها می‌توان به شاخص‌های تدوینی توسط بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد و سازمان ملل متحد اشاره کرد. بانک جهانی (۲۰۱۰) شاخصی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی و در قالب ۶ شاخص ترکیبی ارائه کرده است.

شش شاخص بانک جهانی عبارتند از (۱) شاخص آزادی بیان و پاسخگویی، (۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت، (۳) اثربخشی دولت، (۴) کیفیت قانون گذاری، (۵) حاکمیت قانون و (۶) کنترل فساد. این شاخص‌ها ترکیبی از مجموع شاخص‌های مختلفی است که نهادهای بین‌المللی ارائه کرده‌اند. همچنین از شاخص‌های مهم دیگر اعتماد سیاسی می‌توان به شاخص‌های پیمایشی مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۰) اشاره کرد که مستقیماً به مقوله ارزیابی نگرش‌های بخش‌هایی از جامعه به دولت می‌پردازد. همچنین سازمان ملل متحد (۲۰۰۹) در قالب گزارش توسعه انسانی خود نیز به شاخص‌های مرتبط با دولت توجه ویژه دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

همانگونه که گفته شد، شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی اعتماد سیاسی وجود دارد که اندازه‌گیری همه آنها در حال حاضر امری غیرممکن است. در ایجاد یک شاخص ترکیبی جهت ارزیابی ابعادی از اعتماد سیاسی باید علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف که ابعاد متفاوتی از اعتماد سیاسی را می‌سنجد به محدودیت داده‌های موجود در کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته نیز توجه کرد. ایجاد تعادل میان تعداد شاخص‌های مورد بررسی و کشورهایی که داده‌های مورد نیاز را دارند، امر بسیار مهمی است. در این پژوهش نیز سعی شد به این موضوع توجه ویژه شود. در سنجش شاخص‌های اعتماد سیاسی در این پژوهش سعی شد شاخص‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که بخش اعظم کشورهای دارای منابع نفتی در این دسته‌بندی حضور داشته باشند. خوشبختانه با توجه به مراحلی که در انتخاب شاخص‌ها صورت گرفت ۱۳۳ کشور دنیا در این مدل قابل ارزیابی شدند. از میان شاخص‌های مورد نظر جهت ارزیابی اعتماد سیاسی با انجام فرآیند غربال شاخص‌ها، ۱۱ شاخص جهت ایجاد شاخص ترکیبی مورد استفاده قرار گرفتند. یکی از وجوه تمایز اصلی پژوهش حاضر با پژوهش‌های گذشته، استفاده از روش تحلیل عاملی با چرخش واریماکس، برای دستیابی به یک چارچوب و مدل مناسب ارزیابی اعتماد سیاسی بر اساس شاخص‌های موجود است. البته تمرکز تحلیلی اصلی در این پژوهش بر نتایج حاصل از اعتماد سیاسی کشورهای دارای منابع نفتی است. به طور کلی مراحل پژوهش در شکل شماره ۱ اشاره شده است.

شکل ۱: روند پژوهش



۴-۱- غربال شاخص‌ها

در این پژوهش برای غربال شاخص‌ها از فرآیندی چهار مرحله‌ای استفاده شده است تا ضمن ارزیابی ابعاد متنوعی از اعتماد سیاسی بتواند کشورهای صاحب منابع نفتی را تا حد امکان مورد بررسی قرار دهد. به همین جهت برای غربال شاخص‌های مذکور برای دستیابی به شاخص‌های نهایی ۴ مرحله زیر طی شد:

۱- شاخص‌ها در یکی از مدل‌ها یا گزارشات بین‌المللی معتبر موجود باشند.
 ۲- تعداد مناسبی از کشورها را تحت پوشش قرار دهند (به ویژه کشورهای صاحب منابع نفتی).

۳- مورد تأیید پنل متخصصان حاضر در تیم پروژه قرار گیرند.

۴- ابعاد متنوع اعتماد سیاسی را تا حد امکان بسنجند (با نظر پنل متخصصان).

بر اساس موارد بالا ۱۱ شاخص جهت ارزیابی نهایی انتخاب شدند که در جدول شماره ۱ به همراه ویژگی‌های مختصری از آنها ذکر شده‌اند. نحوه تعریف شاخص و گردآوری داده مطابق با ماخذی است که مقدار شاخص از آن اخذ شده است. شاخص اول بر اساس

شاخص بانک جهانی (۲۰۱۰) و ۱۰ شاخص دیگر از بانک اطلاعاتی وف (۲۰۱۰) (که بر اساس پیمایش بوده است) استخراج شده است.

جدول ۱: شاخص‌های نهایی مرتبط با اعتماد سیاسی به همراه مختصری از ویژگی‌های آن

| شاخص | ویژگی |
|--|---|
| ۱ ثبات سیاسی و عدم خشونت | این شاخص تجلی درک کلی از احتمال عدم ثبات و سقوط دولت‌ها به وسیله ابزارهای خشونت آمیز و خارج از موازین قانون اساسی کشورها می‌باشد (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰). |
| ۲ انحراف از وجوه عمومی | میزان اعتماد مردم به دولت از حیث نحوه هزینه کردن وجوه عمومی را نشان می‌دهد. |
| ۳ اعتماد عمومی به سیاستمداران | اعتماد کلی به سیاستمداران یک کشور را از دید شهروندان به نمایش می‌گذارد. |
| ۴ استقلال نهاد قضایی | میزان استقلال نهاد قضایی از سایر نهادها به ویژه سیاست را به نمایش می‌گذارد. |
| ۵ بار تحمیلی مقررات دولتی | میزان بار تحمیلی مقررات دولتی بر بخش‌های مختلف را از منظر شهروندان نشان می‌دهد. |
| ۶ کارایی چارچوب‌های قانونی | کارایی چارچوب‌های قانونی در پاسخگویی به نیازهای جامعه را به تصویر می‌کشد. |
| ۷ کارایی چارچوب‌های قانونی در به چالش کشیدن قوانین | میزان ظرفیت سیستم سیاسی کشورها در به چالش کشیدن قوانین جاری و انجام اصلاحات را نشان می‌دهد. |
| ۸ شفافیت خط مشی گذاری دولتی | میزان شفافیت و صداقت نظام سیاسی با شهروندان را نشان می‌دهد. |
| ۹ قابلیت اعتماد به سرویس‌های انتظامی | میزان تعامل سازمان‌های انتظامی با شهروندان را نشان می‌دهد. |
| ۱۰ فرار مغزها | میزان عدم رضایت نخبگان جامعه از شرایط موجود را به تصویر می‌کشد. |

شاخص‌های مذکور برای ۱۳۳ کشور دنیا قابل ارزیابی می‌باشد.

۴-۲- تحلیل عاملی^۱

در سالهای اخیر تلاشهای فراوانی برای بررسی رویکردهای مختلف برای وزن‌دهی به زیرشاخص‌های دخیل در یک شاخص ترکیبی مانند تحلیل پوششی داده‌ها^۲، فرایند تحلیل سلسله مراتبی، روش‌های قضاوتی ذهنی صورت گرفته است. در این پژوهش از روش تحلیل

1- Factor Analysis

2- Data Envelopment Analysis

عاملی به دلیل مزایایی منحصر به فردی که دارا می‌باشد برای وزن‌دهی و دسته‌بندی شاخص‌ها استفاده شده است. از مزایای روش تحلیل عاملی برای تشکیل شاخص‌های ترکیبی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱- از طریق روش تحلیل عاملی بکار گرفته شده در این پژوهش می‌توان ساختار زیر بنایی مجموعه نسبتاً بزرگی از متغیرها را بدست آورد.

۲- در روش تحلیل عاملی بکار گرفته شده در این پژوهش هیچ نظریه اولیه‌ای فرض نمی‌شود و پیش فرض اولیه آن است که هر متغیری ممکن است با هر عاملی ارتباط داشته باشد. در نتیجه دخالت پیش فرض‌های پژوهشگران در رتبه‌بندی کشورها حداقل می‌شود.

۳- می‌توان رتبه نهایی را با همبستگی بالا از طریق تعداد معدودی از شاخص‌ها که با وزن بالا در هر بعد نمایانگر واقعی آن بعد می‌باشند، ارزیابی کرد.

۴- این روش شاخصها را در زیر مجموعه عوامل مختلف دسته‌بندی می‌کند که هیچ یک از روشهای دیگر چنین قابلیت را دارا نمی‌باشند (ناردو و همکاران، ۲۰۰۵؛ او ای سی دی، ۲۰۰۸).

بنابراین در این پژوهش برای دسته‌بندی و وزن‌دهی شاخصها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. برای انجام تحلیل عاملی مدل‌های مختلف مانند تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱، تحلیل عاملی مشترک، تحلیل عاملی پیشینه درست نمایی و سایر روشها (کلاین، ۲۰۰۰) وجود دارد. در این پژوهش با توجه به ویژگی روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و تأکید گزارشهای بین‌المللی مختلف (ناردو و همکاران، ۲۰۰۵؛ او ای سی دی، ۲۰۰۸) بر این نکته که روش مناسب برای ایجاد یک شاخص ترکیبی روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی است، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد استفاده قرار گرفت. در مورد چرخش عاملها روش‌های متفاوتی مانند واریماکس^۲، کواریماکس^۳، اکوایماکس^۴ وجود دارد که هدف همه آنها دستیابی به الگوی ساده و قابل فهمی در مورد بار عاملی متغیرهای مختلف می‌باشد (ناردو و همکاران، ۲۰۰۵). در این پژوهش از آنجایی که روش چرخش واریماکس جزو معمول‌ترین روش‌های مورد استفاده می‌باشد (او ای سی دی، ۲۰۰۸) و توافق بیشتر متخصصان تحلیل عاملی بر این است که واریماکس کارآمدترین شیوه است (کلاین، ۱۹۹۴) از چرخش واریماکس

-
- 1- Principal components analysis
 - 2- varimax
 - 3- Quartimax
 - 4 - Equimax

استفاده شده است. هدف از چرخش واریماکس، رسیدن به ساختار ساده با متعامد نگه داشتن محورهای عاملی است. این بدان معناست که در این روش عامل های چرخش یافته ناهمبسته‌اند و اشتراکات و توانایی باز پدید آوردن ماتریس همبستگی اصلی با تحلیل عاملی اولیه یکسان است. گرچه در برخی از موارد، با عامل‌های متعامد نمی توان به ساختار ساده دست یافت. هدف واریماکس به حداکثر رسانیدن مجموع واریانسهای بارهای مجذور شده بر روی ستون های ماتریس عاملی است (کلاین، ۱۹۹۴؛ کایزر، ۱۹۵۸؛ طباطبائی و همکاران، ۱۳۸۹).

همچنین مقدار آزمون کیزر مایر^۱ برای داده های محاسبه شده در پژوهش برابر با ۰,۹۳۷ می باشد از این رو با توجه به اینکه به نظر نوروسیس^۲ اگر مقدار آزمون کیزر مایر بالاتر از ۰,۷ باشد نشان دهنده داده‌های مناسب برای تحلیل عاملی است (نوروسیس، ۱۹۸۶؛ دواس، ۲۰۰۲)، بنابراین مقدار ۰,۹۳۷ برای آزمون کیزر مایر نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌باشد، خروجی نرم افزار اس.پی.اس.اس، آزمون کیزر مایر در شکل شماره ۲ آورده شده است.

شکل ۲: مقدار آزمون کیزر مایر و بارتلت بر اساس نرم افزار اس پی اس اس

| KMO and Bartlett's Test | | |
|--|--------------------|---------|
| Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy. | | .937 |
| Bartlett's Test of Sphericity | Approx. Chi-Square | 2.168E3 |
| | Df | 55 |
| | Sig. | .000 |

تعداد کل شاخصها ۱۱ عدد می‌باشد که پس از انجام آزمون تحلیل عاملی این ۱۱ شاخص در سه دسته با بارهای عاملی مختلف قرار گرفتند. جدول شماره ۲ نشان دهنده بارهای عاملی هر یک از ابعاد می‌باشد.

جدول ۲: وزن استخراج شده از تحلیل عاملی برای ابعاد

| عامل | ۱ | ۲ | ۳ |
|------|------|------|------|
| وزن | ۰,۴۱ | ۰,۳۹ | ۰,۲۰ |

1- Kaiser-Meyer-Olkin

2- Norusis

ابعاد مورد نظر در این پژوهش که از طریق تحلیل عاملی بدست آمده به علت تشابه شاخص‌ها در هر بعد به ترتیب به نام‌های بازتاب رفتار سیاسی و قانونی، رضایت عمومی و ثبات سیاسی نامگذاری شده‌اند. در مورد وزن شاخصها با توجه به مبحث مقیاس‌سازی در روش تحلیل عاملی، از بارعاملی به عنوان ضریب اهمیت شاخصها استفاده شده است. نتایج حاصل از ماتریس چرخش یافته برای شاخصها در آزمون تحلیل عاملی در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: ماتریس چرخش یافته عوامل در تحلیل عاملی

| | Rotated Component Matrix ^a | | |
|----------|---------------------------------------|------|------|
| | Component | | |
| | 1 | 2 | 3 |
| VAR00011 | .768 | .331 | .272 |
| VAR00008 | .765 | .518 | .254 |
| VAR00007 | .752 | .529 | .264 |
| VAR00004 | .720 | .451 | .412 |
| VAR00009 | .676 | .524 | .292 |
| VAR00006 | .398 | .852 | .163 |
| VAR00003 | .472 | .789 | .326 |
| VAR00005 | .520 | .739 | .339 |
| VAR00002 | .539 | .659 | .433 |
| VAR00010 | .512 | .571 | .521 |
| VAR00001 | .270 | .225 | .917 |

Extraction Method: Principal Component Analysis.
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.

a. Rotation converged in 5 iterations.

جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها و ابعاد بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی و با استفاده از فرمول شماره ۱ و ۲ اقدام به وزن‌دهی به ابعاد و شاخص‌ها می‌نماییم.

فرمول شماره (۱): محاسبه ضریب اهمیت هر شاخص بر اساس بار عاملی

$$\text{Indicator weight } X_i = \left(\frac{\text{Factor loading } X_i^2}{\sum_{i=1}^{18} \text{Factor loading } X_i^2} \right)$$

فرمول شماره (۲): محاسبه ضریب اهمیت هر عامل براساس مقدار ویژه^۱

$$\text{Factor weight } Y_j = \left(\frac{\text{Eigen value } Y_j}{\sum_{j=1}^2 \text{Eigen value } Y_j} \right)$$

علاوه براین با توجه به این نکته که شاخص‌های این مدل دارای واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی بودند، لذا برای ترکیب این شاخص‌ها ابتدا آنها براساس فرمول شماره ۳ نرمال‌سازی شدند.

فرمول شماره (۳): نرمال سازی شاخص‌ها

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_j}{\sigma_j}$$

در این فرمول Y_{ij} نرمالایز شده شاخص j برای کشور i می‌باشد.

- X_{ij} مقدار واقعی شاخص j برای کشور i می‌باشد.
- X_j میانگین شاخص j برای همه کشورها می‌باشد.
- σ_j انحراف معیار شاخص j برای همه کشورها می‌باشد.

بر اساس وزن‌دهی انجام شده در تحلیل عاملی و طبقه‌های عاملی بوجود آمده، شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی بدست آمده است، که در ادامه به آن اشاره شده است.

۵- شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی

برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت اعتماد سیاسی در کشورها نوعی شاخصی ترکیبی در این زمینه طراحی شده است. شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی این امکان را برای سیاستگذاران فراهم می‌کند تا ضمن ارزیابی از وضعیت اعتماد سیاسی کشورهای خود به بررسی چالش‌ها و مشکلات موجود در فرآیند اعتماد سیاسی خود بپردازند. در این پژوهش تمرکز ما بر بررسی وضعیت اعتماد سیاسی کشورهای صاحب منابع نفتی است و چرایی کاهش اعتماد سیاسی در این کشورها بررسی می‌شود.

همانگونه که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی در سه بعد اصلی "بازتاب رفتار سیاسی و قانونی"، "رضایت عمومی" و "ثبات سیاسی" تعریف گردیده

است. بعد بازتاب رفتار سیاسی و قانونی از ۵ شاخص تشکیل شده است که دارای بیشترین وزن در میان ابعاد می‌باشد. این بعد انعکاس دهنده خروجی‌های حاصل از رفتارهای سیاسی و قانونی است. بعد رضایت عمومی به طور عمده متشکل از شاخص‌های مرتبط با نگرش عموم نسبت به سیاستمداران می‌باشد. بعد نهایی نیز با عنوان ثبات سیاسی متشکل از شاخص ثبات سیاسی است.

جدول ۴: ابعاد و وزن‌های شاخص‌ها

| وزن | شاخص | ابعاد |
|----------|--|------------------------------------|
| 0.217172 | فرار مغزها | |
| 0.215479 | کارایی چارچوب‌های قانونی در به چالش کشیدن قوانین | |
| 0.208218 | کارایی چارچوب‌های قانونی | بازتاب رفتار سیاسی و قانونی (۰,۴۱) |
| 0.190874 | استقلال نهاد قضایی | |
| 0.168258 | شفافیت خط مشی گذاری دولتی | |
| 0.273424 | ولخرجی‌های دولتی | |
| 0.234483 | اعتماد عمومی به سیاستمداران | |
| 0.205706 | پارتنری بازی در ادارات دولتی | رضایت عمومی (۰,۳۹) |
| 0.163579 | انحراف از وجوه دولتی | |
| 0.122809 | قابلیت اعتماد به سرویس‌های انتظامی | |
| 1 | ثبات سیاسی | ثبات سیاسی (۰,۲۰) |

۶-تحلیلی بر رتبه‌بندی کشورها

بر اساس چارچوب بدست آمده رتبه ۱۳۳ کشور دنیا مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول شماره ۵ بیانگر رتبه و نمره کشورها در شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی می‌باشند.

جدول ۵: رتبه و نمره کشورها در شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی

| رتبه | کشورها | نمره شاخص | رتبه | کشورها | نمره شاخص | رتبه | کشورها | نمره شاخص | رتبه | کشورها | نمره شاخص |
|------|----------------------|-----------|------|----------------|-----------|------|-------------|-----------|------|--------------------|-----------|
| 1 | SINGAPORE | 2.111752 | 41 | SLOVENIA | 0.414097 | 81 | CROATIA | -0.4211 | 121 | BANGLADESH | -1.03242 |
| 2 | SWEDEN | 1.900718 | 42 | MAURITIUS | 0.405089 | 82 | BRAZIL | -0.43293 | 122 | PAKISTAN | -1.10235 |
| 3 | QATAR | 1.85882 | 43 | MONTENEGRO | 0.320307 | 83 | SLOVAKIA | -0.43428 | 123 | ECUADOR | -1.11019 |
| 4 | DENMARK | 1.809037 | 44 | URUGUAY | 0.312734 | 84 | GEORGIA | -0.43524 | 124 | PHILIPPINES | -1.11105 |
| 5 | LUXEMBOURG | 1.775678 | 45 | SOUTH AFRICA | 0.268888 | 85 | TIMOR-LESTE | -0.43668 | 125 | NEPAL | -1.13498 |
| 6 | FINLAND | 1.746998 | 46 | KUWAIT | 0.24092 | 86 | GREECE | -0.4452 | 126 | COTE D'IVOIRE | -1.19129 |
| 7 | SWITZERLAND | 1.745532 | 47 | CHINA | 0.232886 | 87 | HUNGARY | -0.44997 | 127 | BURUNDI | -1.26364 |
| 8 | NORWAY | 1.676774 | 48 | PORTUGAL | 0.164016 | 88 | SURINAME | -0.45281 | 128 | BOSNIA-HERZEGOVINA | -1.2645 |
| 9 | HONG KONG SAR, CHINA | 1.613121 | 49 | MALAWI | 0.144813 | 89 | JAMAICA | -0.45905 | 129 | PARAGUAY | -1.31319 |
| 10 | UNITED ARAB EMIRATES | 1.559682 | 50 | PUERTO RICO | 0.142339 | 90 | SRI LANKA | -0.46635 | 130 | ZIMBABWE | -1.33365 |
| 11 | NETHERLANDS | 1.538581 | 51 | SPAIN | 0.129678 | 91 | TAJIKISTAN | -0.48118 | 131 | CHAD | -1.36737 |
| 12 | NICARAGUA | 1.534269 | 52 | BENIN | 0.075109 | 92 | ARMENIA | -0.50442 | 132 | BOLIVIA | -1.38032 |
| 13 | ICELAND | 1.427878 | 53 | ISRAEL | 0.066519 | 93 | ROMANIA | -0.5349 | 133 | VENEZUELA | -1.73254 |
| 14 | AUSTRALIA | 1.342469 | 54 | VIETNAM | 0.056946 | 94 | MEXICO | -0.55678 | | | |
| 15 | OMAN | 1.324216 | 55 | AZERBAIJAN | 0.037559 | 95 | ITALY | -0.5591 | | | |
| 16 | CANADA | 1.261566 | 56 | INDONESIA | 0.032896 | 96 | TURKEY | -0.56481 | | | |
| 17 | AUSTRIA | 1.228029 | 57 | KOREA, SOUTH | 0.028448 | 97 | SYRIA | -0.57447 | | | |
| 18 | GERMANY | 1.218135 | 58 | LIBYA | -0.01461 | 98 | PERU | -0.57743 | | | |
| 19 | BARBADOS | 1.162077 | 59 | INDIA | -0.03004 | 99 | SENEGAL | -0.58066 | | | |
| 20 | IRELAND | 0.985924 | 60 | KAZAKHSTAN | -0.06363 | 100 | BULGARIA | -0.63782 | | | |
| 21 | BOTSWANA | 0.973094 | 61 | BURKINA FASO | -0.10329 | 101 | HONDURAS | -0.63849 | | | |
| 22 | TUNISIA | 0.940805 | 62 | CZECH REPUBLIC | -0.10794 | 102 | ETHIOPIA | -0.66273 | | | |
| 23 | BRUNEI | 0.917972 | 63 | ZAMBIA | -0.12906 | 103 | GUATEMALA | -0.67714 | | | |
| 24 | CYPRUS | 0.889949 | 64 | THAILAND | -0.16399 | 104 | CAMEROON | -0.69064 | | | |
| 25 | UNITED KINGDOM | 0.800436 | 65 | MOROCCO | -0.16573 | 105 | COLOMBIA | -0.71003 | | | |
| 26 | GAMBIA | 0.789076 | 66 | TANZANIA | -0.18899 | 106 | MADAGASCAR | -0.71921 | | | |

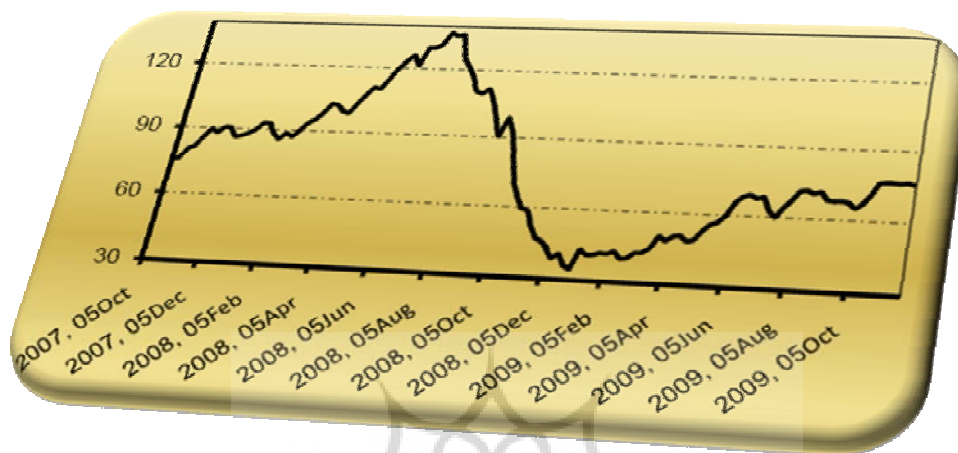
| | | | | | | | | |
|----|---------------|----------|----|------------------------|----------|-----|-----------------------|----------|
| 27 | CHILE | 0.750591 | 67 | PANAMA | -0.21181 | 107 | RUSSIA | -0.72457 |
| 28 | JAPAN | 0.740939 | 68 | POLAND | -0.23187 | 108 | DOMINICAN REPUBLIC | -0.76269 |
| 29 | FRANCE | 0.727978 | 69 | TRINIDAD AND TOBAGO | -0.23276 | 109 | GUYANA | -0.76466 |
| 30 | UNITED STATES | 0.723173 | 70 | EGYPT | -0.23748 | 110 | MAURITANIA | -0.78353 |
| 31 | NAMIBIA | 0.687713 | 71 | LITHUANIA | -0.24776 | 111 | UGANDA | -0.79849 |
| 32 | MALTA | 0.681876 | 72 | EL SALVADOR | -0.26834 | 112 | MONGOLIA | -0.82028 |
| 33 | TAIWAN, CHINA | 0.650953 | 73 | GHANA | -0.27663 | 113 | SERBIA | -0.82332 |
| 34 | BELGIUM | 0.643282 | 74 | MOZAMBIQUE | -0.28473 | 114 | NIGER | -0.82849 |
| 35 | SAUDI ARABIA | 0.638793 | 75 | ALBANIA | -0.30415 | 115 | ALGERIA | -0.85271 |
| 36 | COSTA RICA | 0.599353 | 76 | LATVIA | -0.34688 | 116 | KENYA | -0.8974 |
| 37 | BAHRAIN | 0.572142 | 77 | LESOTHO | -0.34979 | 117 | UKRAINE | -0.89833 |
| 38 | ESTONIA | 0.506016 | 78 | CAMBODIA | -0.40566 | 118 | KYRGYZSTAN | -0.93515 |
| 39 | MALAYSIA | 0.491602 | 79 | MACEDONIA | -0.40796 | 119 | NIGERIA | -0.97612 |
| 40 | JORDAN | 0.442131 | 80 | MALI | -0.40871 | 120 | ARGENTINA | -0.97938 |

برای ارزیابی وضعیت اعتماد سیاسی در کشورهای دارای ثروت نفتی، برخی از کشورهای صاحب منابع عظیم نفتی که بالای ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند را مد نظر قرار داده ایم. از دلایل انتخاب کشورها با توجه به عامل جمعیت می‌توان به این نکته اشاره کرد که کشورهای دارای منابع نفتی هنگامی که از جمعیت کمی برخوردار هستند از سرانه‌های درآمدی بالایی برخوردارند که حتی در صورت تخصیص نادرست منابع، توانایی حفظ وضعیت مردم در سطح بالایی از رفاه را دارا می‌باشند و این مورد به شدت بر مقوله اعتماد سیاسی در این کشورها در مقایسه با سایر کشورها اثرگذار است.

اما در بین کشورهای انتخاب شده که شامل ونزوئلا، نیجریه، اکوادور، الجزایر، روسیه و عربستان می‌شود، همگی به جز عربستان در رتبه‌های پایین و در انتهای جدول قرار گرفته‌اند. البته دلیل تفاوت رتبه عربستان را می‌توان در ساختار فرهنگی این کشور و سرانه بالای تولید ناخالص داخلی این کشور به علت تولید بسیار بالای نفت توجیه نمود که وضعیت این کشور را مانند کشورهای با جمعیت اندک و تولید نفت بالا می‌نماید. هر ۴ کشور ونزوئلا، نیجریه، اکوادور، الجزایر و روسیه رتبه زیر ۱۰۰ را در اعتماد سیاسی دارا

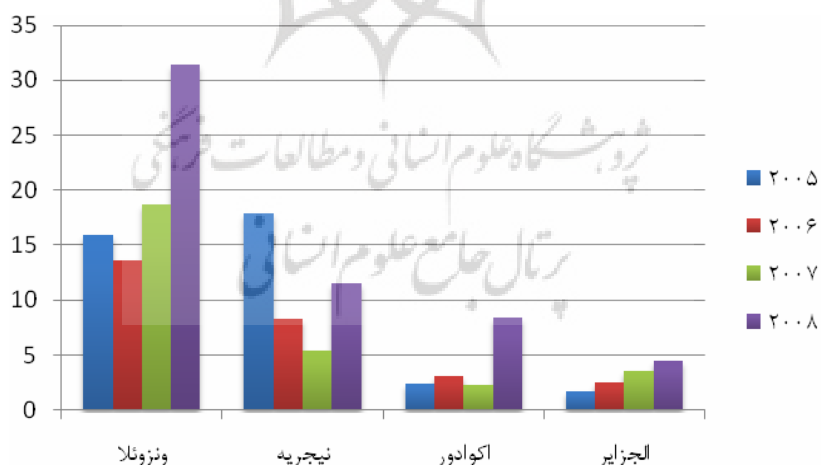
می‌باشند. در این بین کشور عراق نیز که دارای ثروت نفتی هنگفتی است نیز در صورت قرارگیری در رتبه‌بندی به نظر رتبه‌ای بهتر از رده‌های انتهایی جدول بدست نمی‌آورد. البته باید به این نکته نیز اشاره نمود که این عدم اعتماد سیاسی تنها به مقوله وجود ثروت‌های نفتی مربوط نیست بلکه موارد دیگر نیز در آن تأثیرگذار است، اما همبستگی و رابطه میان عدم اعتماد سیاسی و ثروت‌های نفتی قابل مشاهده و تأیید است. بر اساس شاخص ترکیبی مذکور فرضیه ارائه شده توسط لیستاگ (۲۰۰۵) مبنی بر کاهش اعتماد سیاسی در نروژ نسبت به سایر کشورهای حوزه اسکاندیناوی به علت وجود منابع نفتی قابل تأیید می‌باشد و نروژ با تمامی ویژگی‌های که دارد از لحاظ اعتماد سیاسی پس از کشورهای چون سوئد، دانمارک، فنلاند و سوئیس در منطقه اسکاندیناوی قرار می‌گیرد. اما واقعا چه اتفاقی می‌افتد که وجود ثروت نفتی در کشورهای پر جمعیت موجبات کاهش اعتماد سیاسی را به بار می‌آورد؟ در این قسمت به تحلیل بر اساس نظریه دولت رانتیر اسمیت (۲۰۰۴) (که در بخش دوم بیان شد) می‌پردازیم. همانگونه که گفته شد، بر اساس نظریه دولت رانتیر از آنجایی که دولت نیازی به شناسایی و نمایندگی کردن گروه‌های اجتماعی به منظور دریافت مالیات و همچنین نیاز به اتخاذ سیاست‌ها و آموزش اجتماعی جهت مالیات ستانی ندارند، روابط دولت-ملت به خوبی در این حوزه مهم شکل نمی‌گیرد. در دوران رونق، دولت‌ها تمایل دارند که اقتصاد داخلی را با پول‌هایی لبریز کنند که سبب ایجاد فشارهای تورمی و تعهدات بسیاری برای دولت می‌شوند، در حالی که دوران‌های کاهش قیمت منابع طبیعی به زودی از راه می‌رسند و ادامه پشتیبانی مالی را غیرممکن می‌سازند و اینجاست که ضعف در نهادهای دولتی دسترسی به درآمدهای حاصل از دیگر منابع همچون مالیات را غیرممکن می‌کند (اسمیت، ۲۰۰۴؛ لیستاگ، ۲۰۰۵). به همین جهت عموماً نظام مالیاتی قوی در این کشورها قابل رؤیت نیست. به طور نمونه می‌توان به وضعیت کشورهای ونزوئلا، نیجریه، اکوادور و الجزایر اشاره نمود. با توجه به افزایش شگفت‌آور قیمت نفت از سال ۲۰۰۷ به بعد که در شکل شماره ۳ آورده شده است، به صورت فزاینده‌ای خواست ملی برای هزینه کرد دلارهای ارزی حاصل از فروش نفت افزایش یافت و با توجه به تمایل مسئولین وقت به هزینه کرد این درآمدهای ارزی جهت حل مشکلات مردم، این ارزها در قالب پروژه‌ها و هزینه‌های جاری وارد جامعه گردید.

شکل ۳: میزان نوسانات قیمت نفت از اکتبر ۲۰۰۷ تا اکتبر ۲۰۰۹ (ای آی ای، ۲۰۰۹)



نتیجه این تزریق پول افزایش ناگهانی تورم در سال ۲۰۰۸ ناشی از تزریق این پول به جامعه بود، که نرخ تورم در شکل شماره ۴ آمده است.

شکل ۴: نرخ تورم کشورهای ونزویلا، نیجریه، اکوادور و الجزایر (بانک جهانی، ۲۰۱۰)



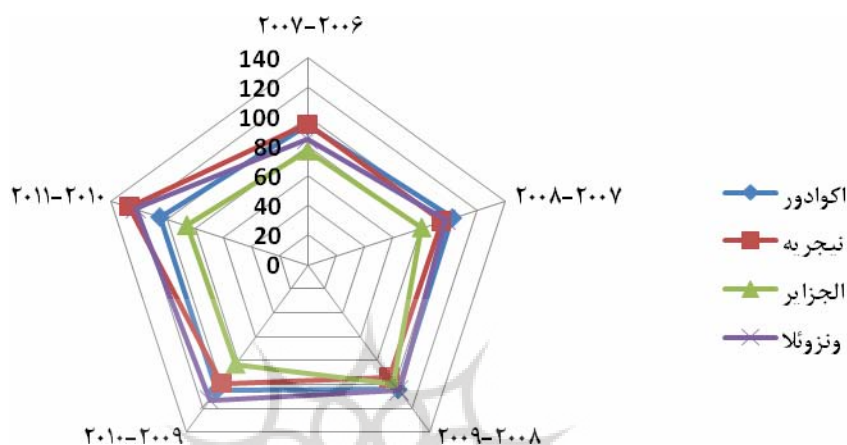
پس از شروع رکود اقتصادی در سال ۲۰۰۷ و کاهش ناگهانی قیمت نفت، دولت‌ها ناگهان با کسری بودجه‌ای مواجه گردید که راه‌حل گذر از آن از طریق گسترش سیستم مالیات عمومی و کاهش یارانه‌های پرداختی به اقشار جامعه بود. با توجه به دوران رکود ناشی از

بحران جهانی اقتصاد، افزایش مالیات‌ها با نارضایتی مردم روبرو می‌شود که همین امر موجب کاهش اعتماد سیاسی در کشورها می‌شود.

از دلایل دیگر که می‌تواند موجب کاهش اعتماد سیاسی بر اثر درآمدهای نفتی در کشورها شود می‌توان به مثال کشور نروژ مراجعه نمود که با وجود سطح بالای رفاه به علت ایجاد نوعی حس محرومیت ناشی از کسب درآمدهای بالای نفتی دچار کاهش اعتماد سیاسی گردید. در کشور نروژ برای جلوگیری از تأثیرات منفی درآمدهای نفتی که دیگر کشورها در شرایط مشابه تجربه کرده‌اند، صندوقی تشکیل گردید. در حالی که صندوق نفتی را می‌توان به عنوان قدم محکمی در جلوگیری از تأثیرات منفی منابع دانست (اوستروود ۲۰۰۴)، وجود این صندوق (به ویژه وقتی شروع به رشد کرد و از ارزش پر شد)، به زودی سبب ایجاد نتایج مهمی در سیاست داخلی گردید. مهمترین تأثیر آن این بود که سبب ایجاد یک شکاف مخاصمه آمیز ناشی از احساس ناکامی و محروم سازی شد. این احتمال وجود دارد که در صورتی که این احساس محروم شدن‌ها که طی آن مردم احساس می‌کنند نمی‌توانند از وجود این موهبت‌ها بهره‌ای ببرند در بین شهروندان زیادی مشترک باشد، بتواند اعتماد سیاسی را تضعیف کند (لیستاگ، ۲۰۰۵).

همچنین در کشورهایی که از ثبات سیاسی کمتری برخوردار هستند چون ونزوئلا و نیجریه دیدگاه‌های مبتنی بر نظریه‌های سرکوب و رانت جویی به شکل‌های شورش‌های خیابانی یا حرکت به سمت ایجاد استبدادهای مادام‌العمر قابل مشاهده است. همچنین یکی از نتایج قابل توجه که بر اساس این پژوهش بدست آمده است حکایت از آن دارد که کشورهای ونزوئلا، نیجریه، اکوادور و الجزایر که در این پژوهش به صورت ویژه مورد بررسی قرار گرفته‌اند در طول سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با وجود افزایش میانگین قیمت نفت، دچار کاهش قدرت رقابت پذیری اقتصاد شده‌اند و هر چه بیشتر از کشورهای مرکز (کشورهای با قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی بالا) فاصله گرفته‌اند که شکل شماره ۵ به وضوح این مساله را نشان می‌دهد. از دلایل این فاصله از مرکز را می‌توان به رشد قیمت نفت در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ نسبت داد که موجب شد سایر بخش‌های اقتصادهای این کشورها مورد بی‌توجهی واقع شود و با شروع بحران اقتصادی به علت کاهش بنیه‌های رقابت‌پذیری واقعی اقتصاد در این کشورها و کاهش قیمت نفت، رقابت‌پذیری و وضعیت اقتصادی این کشورها دچار نقصانی جدی گردید. این روند کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی همچنین می‌تواند به عنوان یکی از دلایل کاهش اعتماد سیاسی مد نظر قرار گیرد.

شکل ۵: رتبه رقابت پذیری اقتصادی کشورها (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۰)



از مجموعه مباحث مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که ثروت نفتی اثرات مختلفی را بر ابعاد مختلف یک جامعه می‌گذارد و در عرصه اعتماد سیاسی عمدتاً به علت افزایش انتظارات مردم و کاهش ظرفیت سیاستگذاری صحیح دولتی در این حوزه شاهد کاهش این اعتماد هستیم.

اما در این بین دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌هایی اصولی و منطقی اثرات منفی درآمدهای نفتی را کاهش و اثرات مثبت آن را هر چه بیشتر جهت توسعه کشورهای خود تقویت نمایند که به ویژه چنین سیاست‌هایی برای کشورهای صاحب درآمد نفتی می‌تواند راهگشا باشد که برخی از مهمترین این سیاست‌ها در ذیل ارائه شده است:

- تلاش دولت‌ها جهت فرهنگ سازی و آگاه نمودن مردم از عوارض تزریق پولهای نفتی جهت مخارج جاری در اقتصاد کشورها
- توجه دولت‌ها به تمامی بخش‌های اقتصادی کشور به ویژه بر منابع کسب درآمد همچون سیستم مالیات
- ارائه برنامه‌های شفاف جهت هزینه کرد درآمدهای نفتی جهت آگاهی و اعتمادسازی در میان مردم

- تدوین اسناد بالادستی در حوزه هزینه کرد منابع نفتی (به ویژه منابع نفتی که در صندوق‌های ملی ذخیره می‌گردند) به جهت جلوگیری از ارائه وعده‌ها و قول‌های انتخاباتی احزاب و افراد سیاسی به مردم جهت هزینه کرد این ثروت‌ها برای حل مشکلات جاری و غیرپایه‌ای
- کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ناشی از منابع نفتی

۷- نتیجه گیری

شناسایی چالش‌های پیش رو در کنار تمام مواهبی که ثروت‌های نفتی برای کشورها می‌آورد، این اجازه را می‌دهد که از تکرار حوادث مختلفی که موجبات کاهش اعتماد سیاسی را به بار می‌آورد جلوگیری نمود. در پژوهش مذکور تلاش گردید تا در کنار ایجاد شاخص ترکیبی اعتماد سیاسی به بررسی جایگاه کشورهای دارای ثروت نفتی نیز پرداخته شود و برخی از دلایل مشکلات آنها در حوزه کاهش اعتماد سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی یکی از مشکلات کشورهای با درآمدهای نفتی بالا و پرجمعیت کاهش اعتماد سیاسی در این کشورها می‌باشد. البته باید اشاره شود که تنها مقوله ثروت‌های نفتی دلیل کاهش اعتماد سیاسی نیست بلکه عوامل مختلف دیگری نیز مؤثر هستند ولی به طور کلی می‌توان ارتباط مثبت میان عدم اعتماد سیاسی پایین و وابستگی کشورها به نفت را تأیید نمود.

در انتها نیز باید اشاره نمود که تلاش دولت‌ها برای کاهش وابستگی به نفت و ارائه برنامه‌های شفاف جهت هزینه کرد منابع نفتی به همراه آگاه‌سازی و فرهنگ سازی در میان مردم می‌تواند موجبات افزایش ظرفیت کشورها در بهره‌گیری از موهبت الهی نفت را به همراه داشته باشد.

منابع فارسی

- ۱- طباطبائی‌ان، سید حبیب‌الله، نقی زاده، رضا، خالدی، آرمان، نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹)، "شاخص ترکیبی پایش توانمندی فناوری: بررسی وضعیت توانمندی فناوری ایران و ۶۹ کشور دنیا"، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۲(۴)، ۷۷-۹۲.

منابع انگلیسی

- 1-Coleman, James S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- 2-de Soysa, Indra., (2002). 'Paradise is a Bazaar? Greed, Creed, and Governance in Civil War, 1989-99', *Journal of Peace Research*, 39, 395 - 416.
- 3-De Vaus, D., (2002). *Surveys in social research*, Routledge, Australia.
- 4-Energy Information Administration (EIA)., (2009). Retrieved from: <http://www.eia.doe.gov>.
- 5-Kaufmann, d., Kraay, a., Mastruzzi,m., (2010). *The Worldwide Governance Indicators Methodology and Analytical Issues*, Policy Research Working Paper 5430.
- 6-Kaiser, H.F., (1958). *The Varimax Criterion For Analytic Rotation In Factor Analysis*. *Psychometrika* 23, pp 187-200.
- 7-Kline, p., (2000). *An Easy Guide to Factor analysis*. Routledge, canada.
- 8-Kline, P., (1994). *An easy guide to factor analysis*. Roudedge, London.
- 9-Linz, Juan (1988). 'Legitimacy of Democracy and the Socioeconomic System', in Mattei Dogan(ed.), *Comparing Pluralist Democracies*. Boulder: Westview. 65 - 113.
- 10-Listhaug, O., (2005). *Oil Wealth Dissatisfaction And Political Trust In Norway: A Resource Curse?*, *West European Politics*, Vol. 28, No. 4, 834 - 851¹.
- 11-Nardo, M., Saisana, M., Saltelli, A., Tarantola, S., (2005). *Tools for Composite Indicator building*. European commission, Italy, <http://farmweb.jrc.cec.eu.int/ci/bibliography.htm>.
- 12-Narud, Hanne Marthe and Henry Valen (2001). 'Partikonkurransen og sakseierskap', *Norsk statsvitenskapelig tidsskrift*, 17, 395 - 425.
- 13-Norusis. M.J., (1986). *The SPSS Guide to Data Analysis*. Rush-Presbyterian-St Luke Medical Centre U.S.A.

۱- بخشی از این مقاله به وسیله متن ترجمه شده توسط محمدصادق الحسینی، منیر غلام زاده در مقاله آمده است.

- 14-Oecd, (2008). Handbook on Constructing composite Indicators: Methodology and user Guide, www.oecd.org/publishing/corrigenda.
- 15-Smith, Benjamin (2004). 'Oil Wealth and Regime Survival in the Developing World, 1960–1999', American Journal of Political Science, 48, 232 – 46.
- 16-sterud, yvind (2004). 'The Peculiarities of Norway'. Unpublished manuscript.
- 17-Strim, Kaare (1999). 'Voter Sovereignty and Parliamentary Democracy', in Hanne Marthe Narud and Toril Aalberg (eds.), Challenges to Representative Democracy. Bergen:Fagbokforlaget.
- 18-World Bank institute, (2010). Measuring Aggregate Governance Indicators 1996-2009. Washington, DC, www.worldbank.org.
- 19-World Economic Froum(WEF)., (2010). The Global Competitiveness Report 2010-2011. Geneva, Printed and bound in Switzerland by SRO-Kundig.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی